

• فضاهای شهری، تعاریف و کلیات

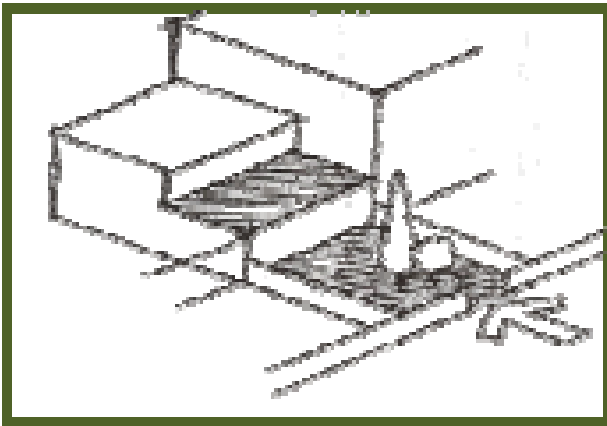
فضاهای باز به اندازه توده ساختمانها دارای اهمیت هستند و نباید آن را محدودده ای به جا مانده از ساخت و ساز بناها دانست، زیرا بخش مهمی از اعمال و فعالیت های انسانها در این فضاها اتفاق می افتد.

در این میان فضاهای باز و بسته عمومی، فضاهای باز عمومی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار هستند زیرا فضاهای بسته عمومی دارای محدودیت هایی از لحاظ زمان و اندازه و... برای پذیرش شهروندان می باشند، در حالیکه فضاهای باز عمومی در همه وقت، بیشترین امکانات را برای حضور شهروندان دارند.

• انواع فضاها

فضاهای خصوصی

آن بخش از فضاهای شهر که تحت تصرف یا تملک اشخاص به صورت خصوصی است، مانند خانه های مسکونی، حیاط ها و باغهای خصوصی



فضاهای نیمه عمومی/نیمه خصوصی

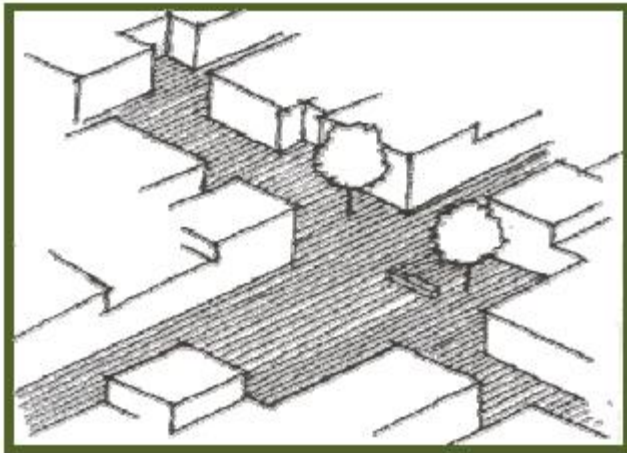
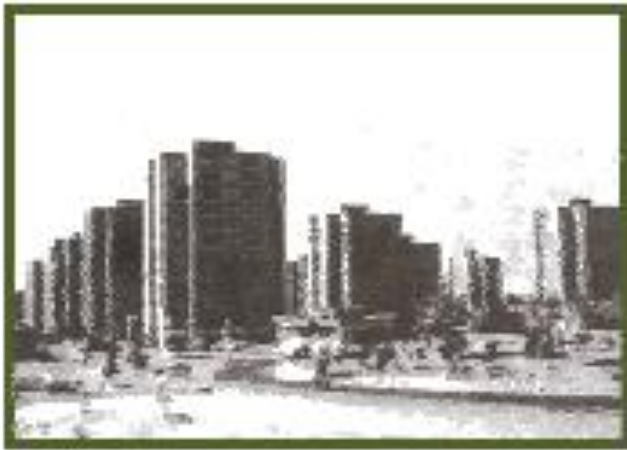
آن بخش از فضاهای شهری که به علت محدودیت در هدف و کاربری آن، توسط گروه خاصی از افراد مورد استفاده قرار می گیرد، مانند: محوطه مجتمع های مسکونی، ورزشگاه و نمایشگاه ها.

فضاهای عمومی

آن بخش از فضاهای شهری که به عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل، حق ورود و حضور در آنان را دارند، مانند خیابان ها، پارک ها، میداين، بازارها و مساجد.

فضاهای عمومی به دلیل مقیاس عملکردی و طیف وسیعی و گسترده مخاطبین خود، دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان است.

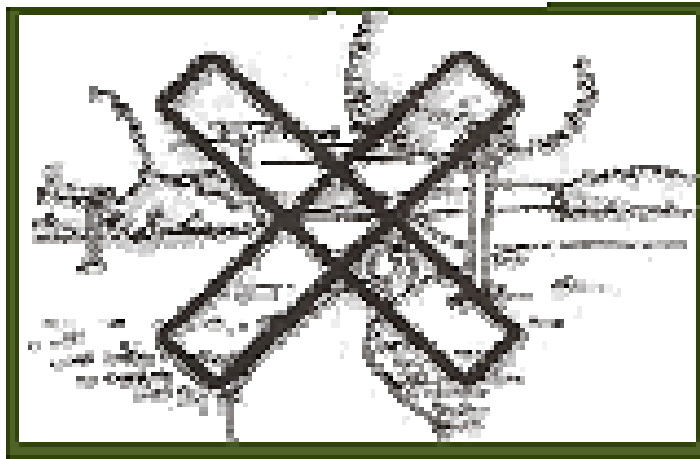
ارتقای کیفی این دسته از فضاها سبب ایجاد جامعه شهری سالم می گردد. آن بخش از فضای خصوصی هم که از فضاهای عمومی قابل رویت است، جزو فضاهای عمومی به شمار می رود.



انواع فضا های شهری

ورودی محله	ورودی	انواع فضاهای شهری و سلسله مراتب آن ها (پاکزاد، ۱۳۸۵)
ورودی		
ورودی شهر	گره	
میدان شهری		
میدان محلی		
میدان تشریفاتی		
فلکه		
خیابان شهری	مسیر	
خیابان عبوری		
بلوار		
خیابان محلی		
کوچه و بن بست		
پیاده راه		
بزرگراه	لبه آب	
ساحل دریا و دریاچه		
کناره رود دائمی		
کناره رود فصلی	پله	
پله شهری		
پله محلی		

ورودی: اولین فضایی است که با حضور در آن خصوصیات کلی فضا، حد خصوصی و عمومی و خصوصیات اینچنینی در آن مشخص می شود. ورودی مفصلی است برای اتصال دو مکان و نه تیغه ای برای تفکیک آنها.



شکل ۶: آفتاب‌های بدون تعامل اجتماعی # فضای شهری



شکل ۵: ورودی

انواع فضاهای شهری

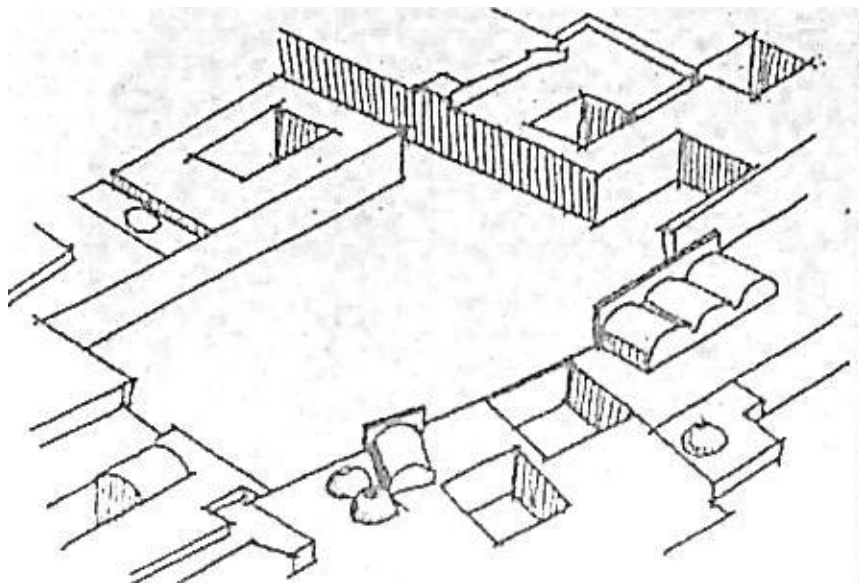
گره ها و میدان ها:

- گره

یکی از عناصر تصویر ذهنی که از هر نوع تجمع رویدادهای مختلف شهر، در ذهن شهروند شکل گرفته است. گره به عنوان تصویر ذهنی، علاوه بر تقاطع خیابان ها، میدان و فلکه، کلیه فضاهایی را که محل تجمع یا تلاقی رویدادهای جمعی است را در بر می گیرد.

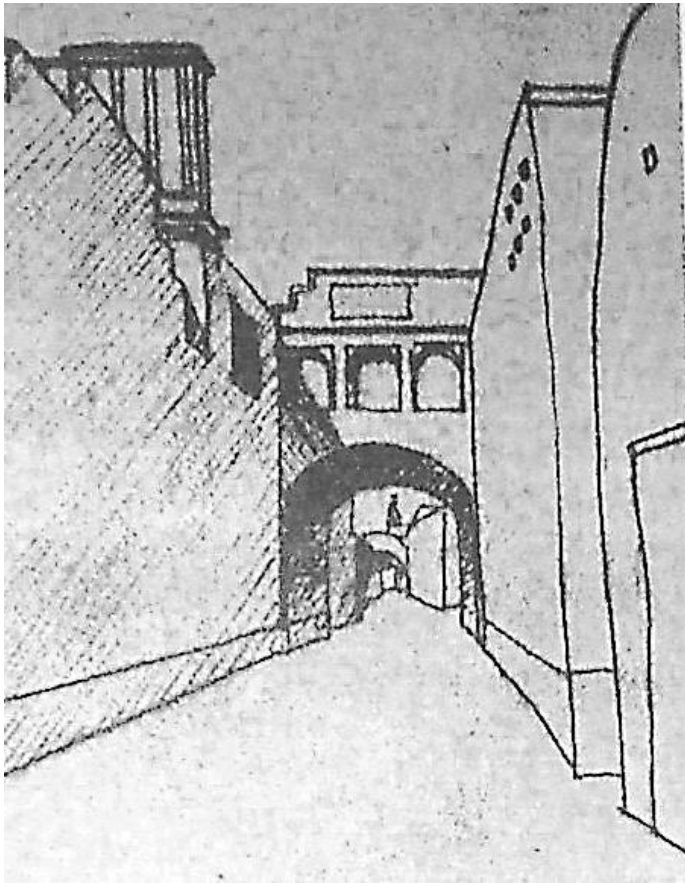
- میدان

میدان در شهرسازی عرصه ایست گشاده، در جایی که اطراف آن خانه ها، دکان ها است. محلی که نه فقط خانه ها و دکان ها در جداره ها تجمع کرده اند بلکه خود به عنوان عرصه تجمع انسان ها، فعالیت ها، رفتارها و در عین حال رویدادهای مختلف عمل می نماید. (فرهنگ دهخدا)



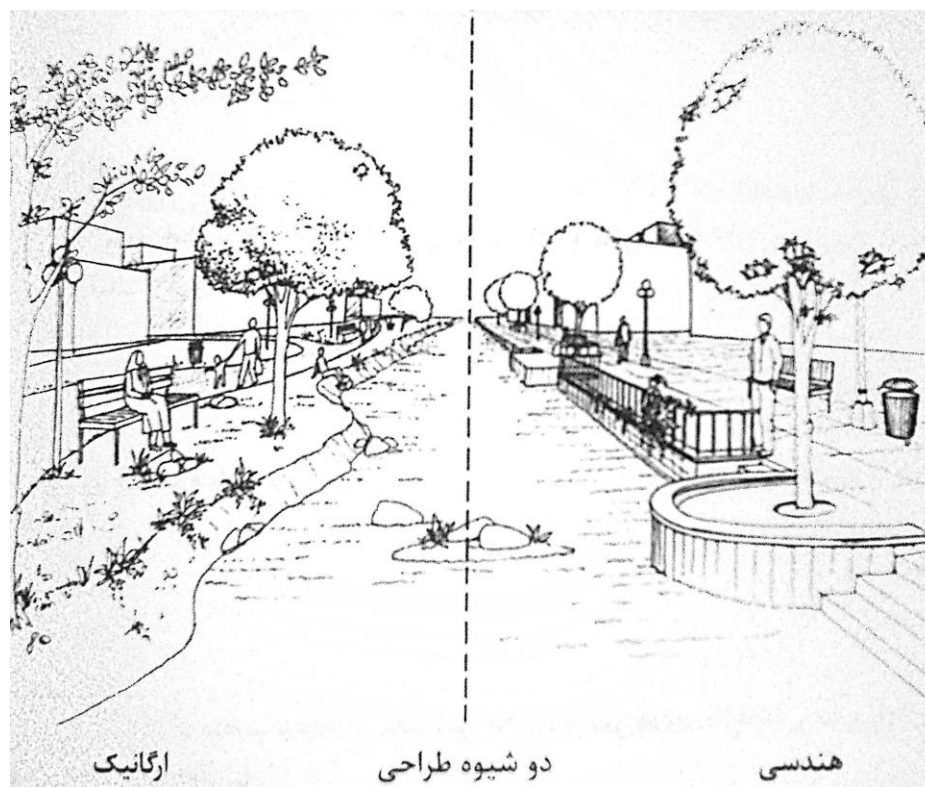
مسیرها:

- عمده ترین سهم را نسبت به سایر فضاهای شهری به خود اختصاص می دهد.
 - نه تنها خطوطی هستند که ارتباط و اتصال نقاط مختلف شهر را میسر می سازد؛
 - فضاهایی را تصویر می کنند که بیشترین حیات جمعی را در خود جای می دهند.
- مسیر = معبر (محلی برای عبور)
- اگرچه بزرگراه ها بستر تعاملات اجتماعی نیستند ولی معبر صرف نبوده اند و به دلایل مختلف نیاز به برقراری تعامل با محیط در آن احساس می شود.



لبه آب:

هرجا در شهر آب امکان تجلی پیدا می کند، نقش بارزی در جذب مردم آن شهر ایفا می کند. آب در تصویر ذهنی شهروندان به عنوان عنصری شاخص، نقش کلیدی ایفا می کند.



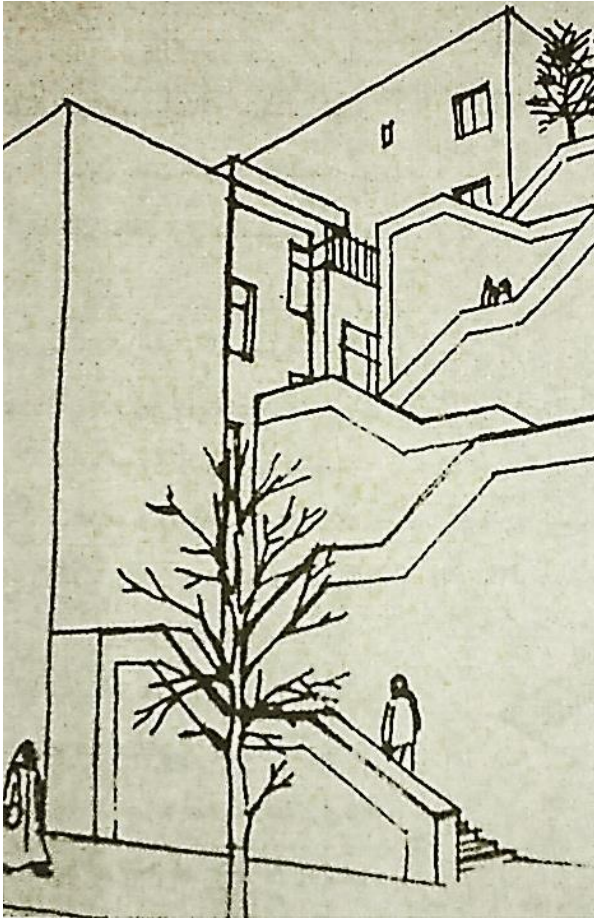
ارگانیک

دو شیوه طراحی

هندسی

پله:

در شهرهایی که بستر ناهموار دارند و دارای پستی و بلندی هستند، امکان ظهور دسته ای از فضاهای شهری یعنی پله ها نیز فراهم می شود. منظور از پله تنها یک اتفاق کالبدی ساده جهت دسترسی عمودی نیست. پله نه تنها می تواند انواع اتفاقات و روابط اجتماعی را در خود جای دهد، بلکه انگیزه ای برای وقوع آنها ایجاد کند.



در طراحی شهری اهمیت یک میدان: نقش اجتماعی و تعاملی آن در زندگی جمعی شهروندان.
در نظام سنتی ایران دو نوع اصلی میدان وجود دارد:
۱- میدان محلی و تکایا ۲- میدان رسمی و تشریفاتی

- ۱- میدان محلی و تکایا: عمومی ترین و مردمی ترین فضاهای شهری- محل تجمع و تعامل اهالی محل
- ۲- میدان رسمی و تشریفاتی: در خدمت نهادی حکومت و حاکم شهر

فلکه

فلکه عبارتست از گشودگی در تقاطع محورها و جزیره ای در وسط این گشودگی.
جزیره میانی دارای پوشش گیاهی، آبنا، فواره و بعضا مجسمه می باشد، که عملکرد غالب آنها بر خلاف میدان، توزیع حرکت خودروها است.
در طرح فلکه تنها چیزی که مطرح نبوده، حضور انسانها و مفاهیم عمیق نهفته در فضای شهری است.

توقعات موضوعی از میدان:

۱- سکون

۲- تجمع پذیری

۳- یکپارچگی

- ۱- سکون به معنی حذف کامل حرکت نیست، بلکه سلب حاکمیت ترافیک عبوری از رفتارهای حرکتی (کاستن از سرعت در مقابل حرکت و پویایی اجتناب ناپذیر حاکم بر خیابان) امکان مکث یا آسودن قبل از ادامه دادن به راه- امکان حضور
- امکان برقراری ارتباط و روابط اجتماعی
- امنیت حضور گروه های اجتماعی
 - امنیت لازم برای حضور زنان، سالمندان و معلولان
 - وجود عرصه و تجهیزات مورد نیاز گروه های سنی یا اجتماعی مختلف

۲- تجمع پذیری

امکان جمع شدن شهروندان در فضای میدان

ایجاد فضایی که مسیرهای حرکتی اطراف میدان و حریم آن را بر هم نزند
به لحاظ شکل هندسی اجازه جمع شدن را به افراد بدهد- تقویت حس مرکزیت
ابعاد فضا باید جوابگوی تعداد افراد و عدم اختلاط حوزه های سکون و حرکت باشد.

امکان جمع شدن شهروندان

- سهولت و نحوه دسترسی به میدان

- فراهم بودن حداقل شرایط زیست محیطی در فضا

جمع شدن شهروندان- تجمع پذیری

جذب فعالیت های متنوع مختلف

امکان انتخاب فرد از فعالیت های مختلف در فضا- امکان گزینش

امکان درگیری و حضور فرد در چند فعالیت در فضا- امکان ترکیبی

۳- یکپارچگی

- ۱- پیوستگی در عناصر کالبدی: دارای کف و بدنه پیوسته.
- احتراز از اختلاف سطح زیاد که مسبب قطع ارتباط ادراکی و فعالیتی می شود،
- کف سازی یکدست و یک ساختار،
- پیوستگی در خط آسمان،
- احتراز از انقطاع بدنه میدان به خصوص در محل اتصال راه ها یا جداره میدان.

۲- پیوستگی فضایی:

- تحت تاثیر پیوستگی عناصر کالبدی،
- به حداقل رساندن تفکیک فضاها از نظر بصری- با تدابیری چون اختلاف مصالح، کف فضاها را از هم تفکیک نمود.

۳- پیوستگی فعالیت ها:

- حوزه فعالیت ها باید دارای مرز قابل انعطاف باشد؛
- عدم تخصیص فضای مشخصی به فعالیت مشخصی؛
- ترکیب حوزه فعالیت ها با دیگر فعالیت های سازگار- فضای چندعملکردی.

۴- هندسه ساده، آشنا و قابل بازشناسی در ذهن:

- سبب درک آسان تر فضا می گردد؛
- میدان باید خود را از فضاهای مجاور و راه های منتهی به آن، منفک کند؛
- میدان باید دارای مرزی به عنوان یک کلیت برای خود باشد.
- هویت میدان می تواند، شلوغ و پر هیاهو، آرام و ساکت، عملکردی یا نمادین باشد، اما هرگز نباید فضایی بدون رویداد باشد،

توقعات موضوعی از مسیرها:

۱- حضورپذیری

۲- پویایی

۱- حضور پذیری

از آنجا که مسیرها جزو کثیرترین نوع فضاهای شهری اند و هر شهروندی برای زندگی در شهرها، حتی برای رفع نیازهای شخصی، ناگزیر به مواجهه با آن می باشد، مهمترین و اصلی ترین ویژگی هر مسیر اینست که **حضور پذیر** باشد (امکان حضور را فراهم کند).

- **نفوذ پذیری:** بخش اعظمی از حضور پذیری مسیرها متوجه **دسترسی و نفوذ فیزیکی** به داخل مسیرهاست. بنابراین در طرح آن ها می بایست از **طولانی شدن بدنه های صلب** در طول مسیر، جلوگیری نمود و تا حد امکان، شرایط **دسترسی و نفوذ پیاده** با مسیر را در طول آن بوجود آورد.

- **ایجاد امکان تداوم حضور شهروند در مسیر:** اساساً شهروندان برای رفع نیازهای خود ناچار به حضور در مسیرها هستند. اما تا زمانی که این **محورها واجد کیفیت پایینی** است، حضور در آنها صرفاً در جهت رفع نیازها مطرح بوده و اساساً در نظام زندگی **جمعی شهروندان** نقش مطلوبی ایفا نمی کند.

برای ایجاد تداوم حضور مردم، مسیرها میبایست **انعطاف** داشته باشند. به این معنا که از بکارگیری **الگوهای یکسان در جداره، کف** جلوگیری شود و از بکارگیری یک الگوی یکسان در طرح انواع مسیرها پرهیز شود. قابلیت استفاده در **ساعات مختلف شبانه روز** و در **مراسم ها و مواقع خاص** را داشته باشد.

۲- پویایی

- مسیرها به عنوان شریان های شهر، حیات را در تمامی سطوح از عمومی ترین تا خصوصی ترین بخشهای آن جاری می سازد. هر نوع گرفتگی در طول مسیر مخل حیات در آن بوده و در تناقض با انتظار شهروندان قرار می گیرد. بنابراین مسیرها در تمام طول خود باید احساسی از پویایی و تحرک را ایجاد کنند.
- برای حفظ پویایی در مسیر میبایست **تنوع در کاربری، کالبد و فعالیت ها** ایجاد شود.
- **ایجاد کاربری های متنوع و متناسب** با زمینه فضاهای شهری در طول مسیر، **ایجاد سکانس های متنوع و متناسب**، توجه به **قرارگاه های رفتاری و تقویت فعالیت های** گوناگون در مسیر به پویایی مسیر منجر می شود.

توقعات موضوعی از لبه آب:

<ul style="list-style-type: none"> - حاکمیت بیاده با دور کردن سواره در حال حرکت با توقف از کناره یا ساحل - وجود مسیرهایی برای پیاده‌روی با شیب و کفسازی مناسب - امکان پرسه زدن در تمام سطح فضای ساحل یا کناره و منحصر نشدن قدم زدن به مسیره‌های پیاده‌روی - وجود ملمان مناسب برای توقف یا نشستن 	امکان پرسه زدن	مفرح بودن
<ul style="list-style-type: none"> - برخورداری از روشنایی کافی - نورپردازی آب و کناره و ساحل در نقاط ویژه - وجود فعالیت‌های زنده در شب با فواصل و پراکندگی مناسب 	امکان استفاده تفرجگاهی در ساعات طولانی	
<ul style="list-style-type: none"> - فراهم بودن بستر کالبدی مناسب برای توقفهای درازمدت. به صورت جمعی یا فردی - وجود امکانات لازم برای دوچرخه‌سواری یا فعالیت‌های ورزشی دیگر - وجود کاربری‌هایی چون رستوران، تریا و... ترجیحاً با سرویس در فضای باز به صورت پراکنده - وجود بستر فضایی مناسب برای فعالیت‌های مرتبط با آب چون ماهیگیری، قایقرانی، شنا و... - وجود تسهیلات و فضای مناسب برای بازی راحت کودکان 	وجود تسهیلات گذران اوقات فراغت	
<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از پوشش گیاهی متناسب با اقلیم برای سایه‌گستری در تلبستان - استفاده از سایه‌بانهای موقت و دائم در مواردی که آفتاب آزارنده است - برهیز از ایجاد سطوح وسیعی که دائماً در سایه هستند 	برخورداری از سایه و آفتاب مناسب	
<ul style="list-style-type: none"> - کمک به جریان یافتن نسیم در کنارها و سواحل - برهیز از بکار بردن مصالح جذب کننده و نگاهدارنده حرارت - برهیز از بکار بردن مصالحی که مانع تبادل رطوبت هستند 	تعدیل رطوبت و دما	
آسایش اقلیمی		

توقعات موضوعی از لبه آب:

<ul style="list-style-type: none"> - اتخاذ تمهیداتی برای جلوگیری از ریختن زباله در آب - جلوگیری از ورود فاضلاب خانگی یا صنعتی به داخل آب - ایجاد تمهیداتی برای هوادهی آب - جلوگیری از راکد ماندن و متعفن شدن آب 	<p>اجتناب از آلودگی آب</p>	<p>پاکیزگی</p>	<p>طراوت</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تعبیه ظروف زباله به تعداد و فواصل مناسب نسبت به تجمع‌های انسانی - جلوگیری از جریان یافتن فاضلاب در کناره یا ساحل - برقراری جریان هوا در محل‌هایی که تله رطوبتی ایجاد می‌شود - حذف حفره‌های پنهان که می‌تواند لانه حیوانات موزی باشد - لایروبی‌های مقطعی و منظم 	<p>حفظ نظافت کناره یا ساحل</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - فراهم بودن امکان دسترسی به آب. حداقل در نقاطی از کناره یا ساحل - گشوده بودن دید به آب از ساحل و کناره یا پل‌ها و اسکله‌ها - امکان شنیدن صدای آب - توجه به انعکاس نورها در آب در شب و رؤیت این انعکاس‌ها 	<p>امکان استفاده از آب</p>	<p>امکان تماس با طبیعت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - تشویق ایجاد پارکهای کناره‌ای - ایجاد پوشش گیاهی در نقاط خاص سواحل برحسب نیاز 	<p>بهره‌گیری از گیاهان</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - حفظ و تقویت پوشش گیاهی کناره‌ها - حفظ کاراکتر سواحل صخره‌ای و شنی - مسدود نکردن جریان نسیم دریا به سمت ساحل در روز 	<p>حفاظت و استفاده از طبیعت محل</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از تغییر شرایط زندگی جانوران غیرموزی محل 	<p>حفظ چرخه‌های حیاتی</p>	<p>پایداری اکولوژیک</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از نابودی پوشش گیاهی قدیم محل - جلوگیری از نابودی تیره‌های بومی 	<p>حفظ پوشش گیاهی</p>		

توقعات موضوعی از لبه آب:

<ul style="list-style-type: none"> - وجود سطوح صاف و نسبتاً خشک برای پیک‌نیک - وجود سطوحی که بتوان بر روی آنها لم داد یا دراز کشید - وجود مکانهایی برای نشستن و نظاره کردن آب در لبه یا بر روی پل‌ها و اسکله‌ها - وجود مکانهای نسبتاً دنج که به صورت فردی یا جمعی بتوان در آنها آسود 	<p>وجود بستر فضایی برای آسودن</p>	<p>امکان آسودن و وقت‌گذرانی</p>	<p>فراغت بال</p>
<ul style="list-style-type: none"> - کاستن از سر و صدای خودروها با دور کردن آنها از لبه - پرهیز از ازدحام جمعیت در نزدیکی محل‌های آسودن - اجتناب از کاربریها و فعالیت‌های سر و صدازا در لبه آب 	<p>فقدان عوامل مخل آسودن</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - امکان انجام فعالیت‌های متنوع به طور همزمان و همجوار در یک فضا - فضا انجام یک فعالیت خاص را به فرد تحمیل ننماید - امکان دخل و تصرف استفاده‌کنندگان در فضا - فضا قابلیت انطباق با انجام فعالیت‌های مختلف در زمانهای متفاوت را داشته باشد 	<p>انحصاری نکردن فعالیت‌ها در فضا</p>	<p>عدم غلبه فضا بر انسان</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از عرصه‌های بزرگ و نامتناسب با توان‌های فیزیکی انسان - ایجاد تناسب میان گستردگی کناره یا ساحل با ابعاد دانه‌های مستقر در آن 	<p>داشتن مقیاس انسانی</p>		

توقعات موضوعی از پله:

<ul style="list-style-type: none"> - بکارگیری دست‌اندازهای مناسب و ایمن در دو طرف پله - ایجاد روشنایی مناسب در تمامی زوایای پله‌ها در شب - در نظر گرفتن عرض مناسب برای پله‌ها و جلوگیری از تداخل حرکتی 	در بدنه فضای پله	ایجاد فضایی متناسب با توان انسان	راحتی
<ul style="list-style-type: none"> - در نظر گرفتن پاگردها در فواصلی مناسب از هم - در نظر گرفتن ارتفاعی مناسب برای سالمندان و کودکان برای پیشانی پله‌ها - استفاده از مصالح مناسب با رفتار انسانی در کف پله‌ها 	در کف پله		
<ul style="list-style-type: none"> - استقرار نیمکت، گلجای یا لبه پهن، دست‌انداز یا لبه پهن در پاگردها - استقرار آب‌خوری، روشنایی، سطل آشغال در پاگردها - استقرار تلفن همگانی و سایر تجهیزات شهری در مبدأ و مقصد پله - نورپردازی مناسب پاگردها در شب - روشنایی کامل تمامی پله‌ها از ابتدا تا انتها در شب 	در تجهیزات		
<ul style="list-style-type: none"> - توجه به شرایط اقلیمی در جهت‌گیری پله‌ها - استفاده از پوشش گیاهی و تک‌درخت برای سایه‌اندازی و تلطیف هوا 	در فرم کلی پله	ایجاد فضایی هماهنگ با شرایط اقلیمی	
<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از بکارگیری مصالح صیقلی در کف پله‌ها برای جلوگیری از سر خوردن در یخبندان و ... - بکارگیری سیستمی مناسب برای دفع آبهای سطحی و برف - در نظر گرفتن امکاناتی برای نصب سایبان 	در تجهیزات پله		

توقعات موضوعی پله

خوش منظره بودن

توقعات
موضوعی
از پله:

هدف

راهبرد

سیاست

<p>- طراحی و ساماندهی بام‌های قابل رویت بناهای مجاور پله - پرهیز از ایجاد اغتشاش در بام‌های قابل رویت پیرامون توسط تجهیزات مربوط به تأسیسات و ... - طراحی و نماسازی تمامی بدنه‌های قابل رویت از فراز پله - استفاده از پوشش گیاهی برای پوشاندن دیدهای نامطلوب پیرامون - ایجاد دیدهای مناسب از پله به فضاهای فعال و پرازدحام پیرامون - تمهید گسترهای مناسب در انتهای پایین پله برای وقوع تجمع و ...</p>	<p>در حوزه بلافصل</p>	<p>ایجاد دید مطلوب از پله به پیرامون</p>	
<p>- ایجاد امکان دید به نقاط و ابنیه شاخص شهر از فراز پله - اجتناب از هرگونه ساخت‌وسازی که منجر به کور شدن دید و کم شدن دامنه دید از فراز پله‌ها گردد - نورپردازی ابنیه شاخص و قابل رویت نمودن آن در شب - ایجاد امکان دید به گسترهای از شهر و عوارض طبیعی آن (مثل ارتفاعات)</p>	<p>در حوزه دوردست</p>	<p>ایجاد دید مطلوب از پیرامون به پله</p>	<p>خوش منظره بودن</p>
<p>- ایجاد نشانه‌هایی قابل رویت و هماهنگ با زمینه در نقاط مرتفع پله - نورپردازی سطوح ویژه و نشانه‌های قابل رویت در شب - نورپردازی ابتدا و انتهای پله و شاخص نمودن آنها در شب</p>	<p>از حوزه دوردست</p>		

خوش منظره
بودن

کیفیت فضا از مهمترین دلمشغولی های دانش طراحی شهری می باشد. بسیاری از نظریه پردازان « ارتقای کیفیت محیط و فضا» را مهمترین وظیفه فعالیت طراحی شهری می دانند.

مردم بر خلاف برنامه ریزی و علوم مهندسی، کمیت ها را کمتر ادراک کرده، آنها را کیفی می بینند.

کیفیت چگونگی یک پدیده می باشد که تاثیر عاطفی و عقلانی خاص بر انسان می گذارد.

این در حالی است که **کمیت**، اندازه، میزان، جنسیت پدیده و یا نظام می باشد که به صورت انبوهی از ویژگی ها، عناصر و کیفیت ها وجود دارند.

کمیت ها قابل اندازه گیری بوده و توسط اعداد قابل بیان هستند.

چگونگی عناصر و رابطه موجود میان عناصر ادراک شده فضا، **کیفیت های** را ساطع می کنند، که به تنهایی و یا با یکدیگر باعث احساس هایی در فرد می گردند. مانند هویت، خوانایی و ...

این احساس ها خود، **کیفیت های فضایی** محسوب نشده، بلکه **معلول** کیفیت هایی می باشند که به آنها **کیفیت های فضایی** می گویند. به عنوان مثال کیفیت های مانند **وضوح، تراکم، منحصر به فرد بودن** یک عنصر می توانند، احساس **خوانایی** را به وجود آورند.

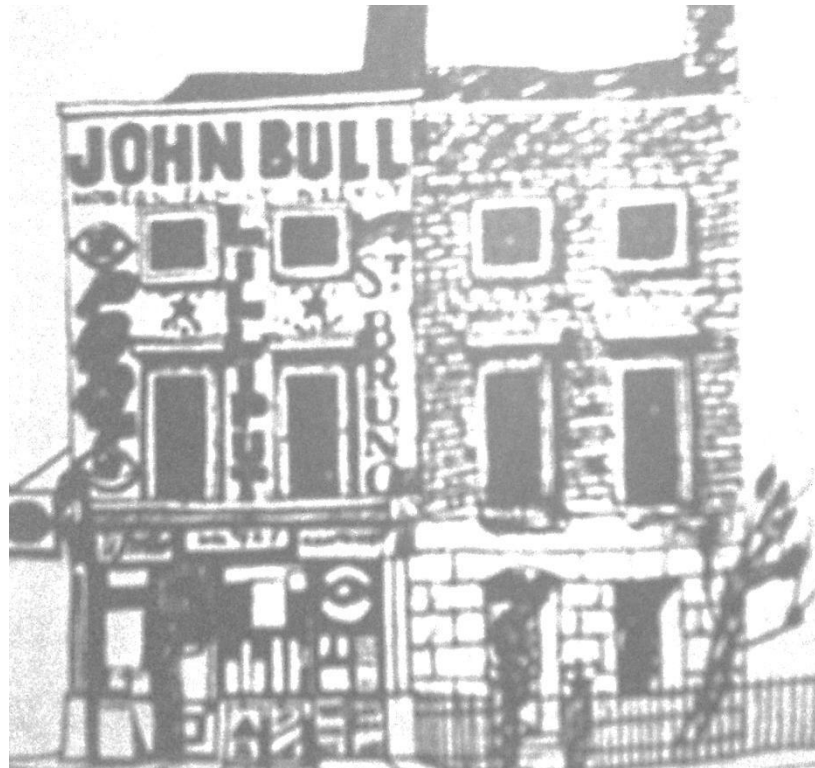
کیفیت های فضایی، **وابسته به هندسه فضا** (ابعاد اجزا، جایگاه، فاصله کمی میان اجزا یک فضا و ...) **نبوده**، بلکه وابسته به **مناسباتی** است که از آن روابط هندسی ناشی می گردند. مانند نحوه مجاورت عناصر، ترتیب آنها، جدایی، محاط شدگی و پیوستگی آنها.

کیفیت های فضایی را می توان نسبت به **منشا وجودی** آنها به سه گروه تقسیم کرد:

- **کیفیت عنصر**
 - **کیفیت بین عناصر** (کیفیت ناشی از سازمان فضایی)
این دسته، رابطه بین مولفه های فرم و عملکرد و معنا را تشکیل می دهد.
 - **کیفیت رابطه یک عنصر با دیگر عناصر** (کیفیت های ناشی از رابطه نقش و زمینه)
- که کیفیت سکانس ها، نتیجه تاثیرات روحی، روانی است که در طول مسیر به طور متوالی بر انسان وارد می گردد.
- در این جلسه به معرفی دسته اول پرداخته می شود.

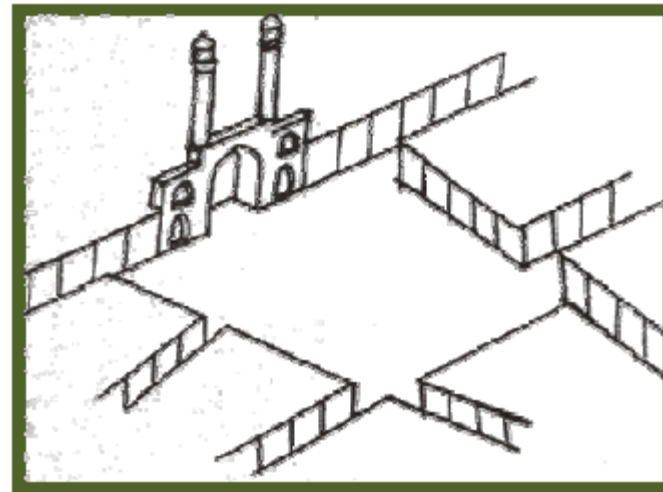
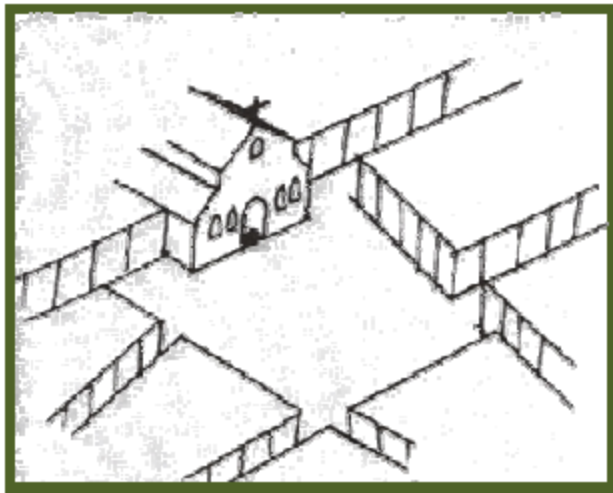
شدت Intensity

میزان قدرت موجود در اطلاعات ظاهری (بصری، سمعی و ...) عملکردی و معنایی یک عنصر فضایی را شدت می نامند.



تنش Tension

کیفیتی که بر اثر **انحراف معیار** رخ می دهد، بر اثر **رابطه متقابل** میان یک عنصر با فضا (ساختار اصلی) که دارای حد و حدودی است و **ازدیاد بیش از حد** آن به **اغتشاش** رسیده و منجر به **عدم درک فضا** توسط انسان می شود زیرا لازمه درک فضا توسط ذهن انسان، کاستن از تنش های موجود و یافتن نظم حاکم بر فضا است.



Ingravibility (نقش انگیزی)

خاصیت یک پدیده برای ایجاد تصویری ماندگار از خود و تناسب بین اجزاء در ذهن بیننده، نتیجه چنین خاصیتی، حفظ هویت شهری و تقویت حس مکان و تعلق خاطر شهروندان است.



Balance (تعالُد)

تعالُد زمانی احساس می شود که نیروهای متقابل یکدیگر را خنثی کنند و موازنه ای بصری برقرار شود.

انسان برای حس تعادل در فضا، هنگام ادراک عناصر به محورهای افقی و عمودی توجه دارد.

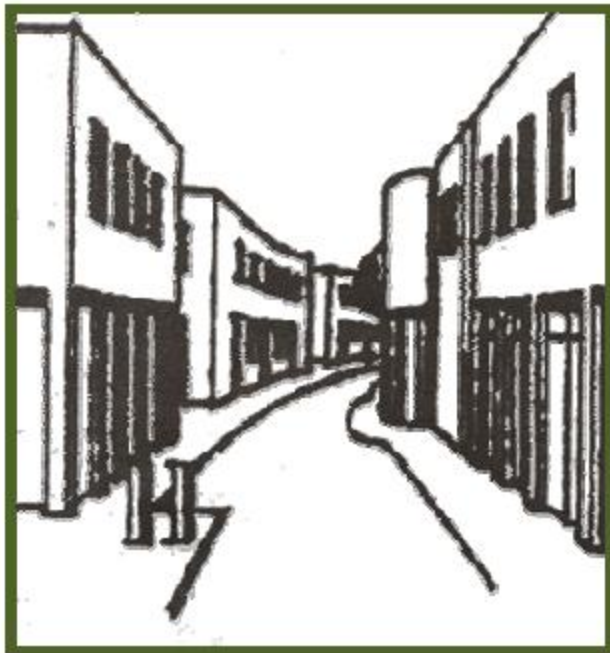
عدم تعادل را می توان معادل تنش در فضا در نظر گرفت که ممکن است برای برقراری تعادل نیاز به تغییر در اندازه، شکل، موقعیت و یا اضافه کردن عناصری دیگر باشد.

تعالُد را می توان فعال و غیر فعال دانست:

1- تعادل غیر فعال یا قرینه: تقسیم بندی مساوی اشکال را گویند، نتیجه عمل ایستا، خالی از هیجان و دارای وقار و سنگینی بصری است.

Balance (تعادل)

2- تعادل فعال یا غیر قرینه: تقسیم بندی غیر مساوی اشکال را گویند یعنی طرفین دارای موازنه بصری بوده بدون آنکه عناصر موجود در طرفین یکسان باشند.

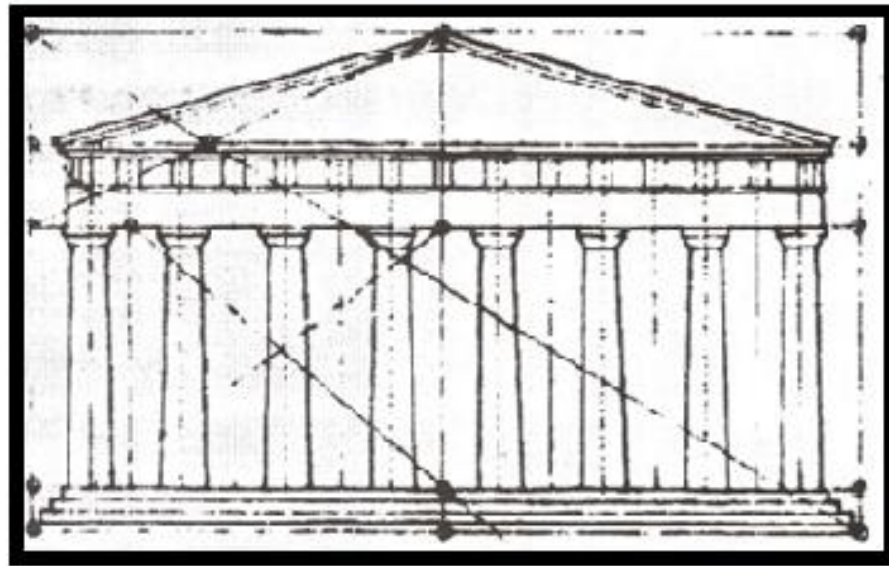


شکل 3: تعادل

Symmetry (تقارن)

ترتیب مساوی (هم سان) دو یا چند عنصر حول یک خط به عنوان محور و یا یک نقطه به عنوان مرکز است.

تکنیکی است بسیار ساده و منطقی اما گاه ممکن است به علت یکنواختی و سکون باعث کسالت شود (دونیس داندیس - مبانی سواد بصری).



شکل 4 : تناسب

Dominance (تفوق)

تسلط عنصری از فضا بر سایر عناصر، توسط موقعیت، ابعاد، شدت، شکل، رنگ، را تفوق بصری آن عنصر گویند.
 منحصر بفرد بودن یک عنصر یا تضاد آن با زمینه چنین خاصیتی را بوجود می آورد.



شکل 5: تفوق

Clarity (وضوح)

قابلیت پیش بینی نوعی نظم در فضا که به آسانی قابل فهم باشد، چیزی که پیش بینی شدنی است و در محل مورد انتظار قرار گرفته دارای جاذبه است ولی شدت این جاذبه کمتر از یافتن پدیده ای

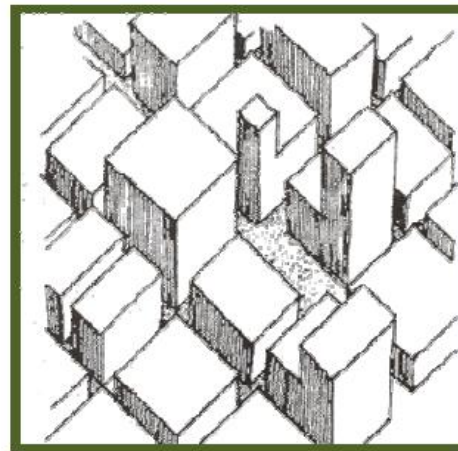
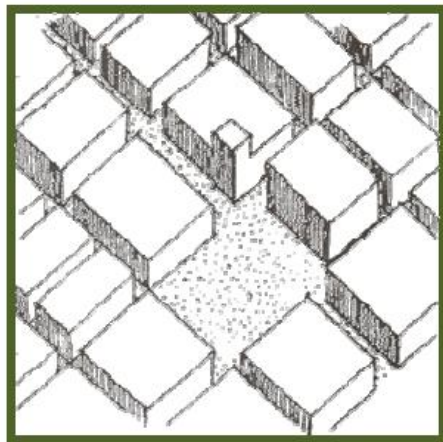
نامنتظره در فضا است.



شکل 6: وضوح

Density (تراکم)

چگونگی دوری و نزدیکی واحدهای سازنده - تعداد و فاصله اجزاء - یک مجموعه را تراکم گویند که ممکن است به طرق و تعداد مختلف با هم ترکیب شوند.



شکل 7: تراکم

Contrast (تضاد)

یعنی آنچه ساخته شده به عمد خود را از محیط جدا کرده و به عنوان چیزی دیگر خود را نشان می دهد که ممکن است به یکی از دلایل زیر صورت می گیرد

- عدم ارزش عناصر زمینه برای شبیه سازی

- فرار گیری آنچه باید ساخته شود در نقاط ویژه

- به خاطر عملکرد ویژه و منحصر به فرد

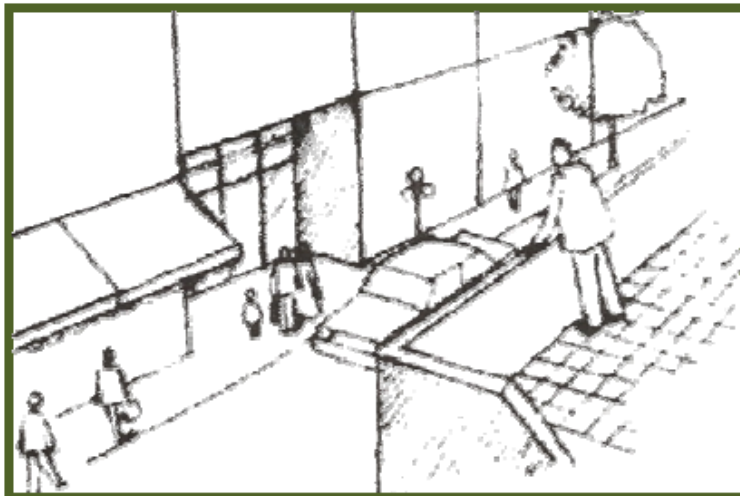
از دیدگاه نظریه اطلاعات «چیز دیگر» بودن به معنای بداعت است، هر چیز بدیعی برای انطباق با قابلیت های ادراکی انسان باید حداقل ارتباطی با زمینه داشته باشد

Advantage (مزیت)

کیفیت نقاطی در فضای شهری است که دارای عملکرد، ظاهر یا معنای خاص بوده و سبب تغییر رفتار یا بروز رفتارهایی خاص در شهروندان می شود.

نمونه: نقاطی از فضا که رو به منظره ای جالب توجه دارند، نه فقط حرکت انسان را کند نموده، بلکه وی را مجبور به مکث و حظ بصر می نماید. (منظر مناسب)

نمونه: در مقابل برخی از کاربری ها، رفتارهای خاصی شکل می گیرد مانند جلوی درب مساجد، سقاخانه ها، ویتترین ها و... (وجود کاربری هایی خاص)



توجه به 3 نکته در تعیین این نقاط مهم است:

1- چنین موقعیتی توسط ناظر قابل ادراک باشد؛

2- موقتی نباشد؛

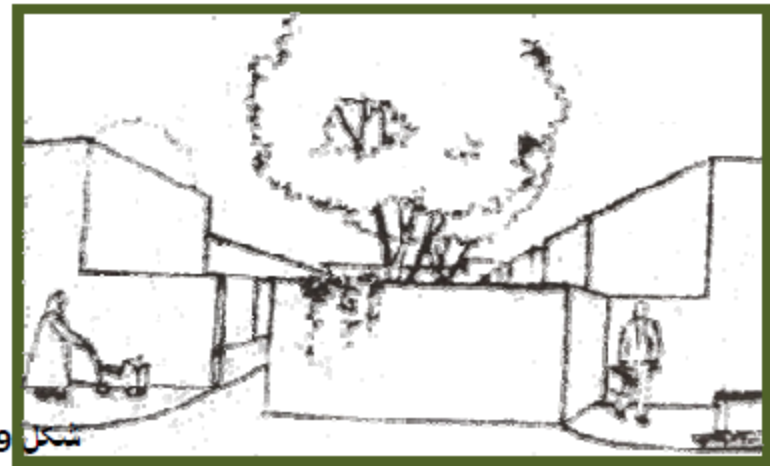
3- برای جمع درخور اهمیت باشد.

Hindrance (انسداد)

برخی عناصر با حضور خود در کف یا بدنه، فضا را تحت تاثیر قرار داده و سبب اختلال در ادراک فضا شده و فضا را به جزء فضاهای تقسیم می کنند. مانند: درختان، باجه ها، تابلوهای عمود بر جداره، پل های روگذر و...



4



توجه به 3 نکته در طراحی عوامل انسداد مهم است:

- 1- از موانع حرکتی تفکیک شوند؛
- 2- این موانع طراحی شده، مانع دید به منظری مثبت می شود یا منفی؛
- 3- حوزه نفوذ موانع بر روی نقشه ذکر گردد.

Emphasis (تاکید)

کیفیتی است که بر اثر شاخص شدن عنصری به خاطر ویژگی های ظاهری آن در یک منظر شهری بوجود می آید.

چنین عنصری سبب کاهش سرعت حرکت شده و ممکن است به عنوان پاتوق مورد استفاده قرار گیرد.

تضاد بصری عنصر با زمینه، تفاوت در اندازه، رنگ و حتی نورپردازی در تاریکی از عوامل تاکید بر روی عنصر خاصی است.



شکل 10: تاکید

Succession (توالی)

کیفیتی از منظر یا عناصر آن است که به فرد احساس تحرک و پویایی می دهد.

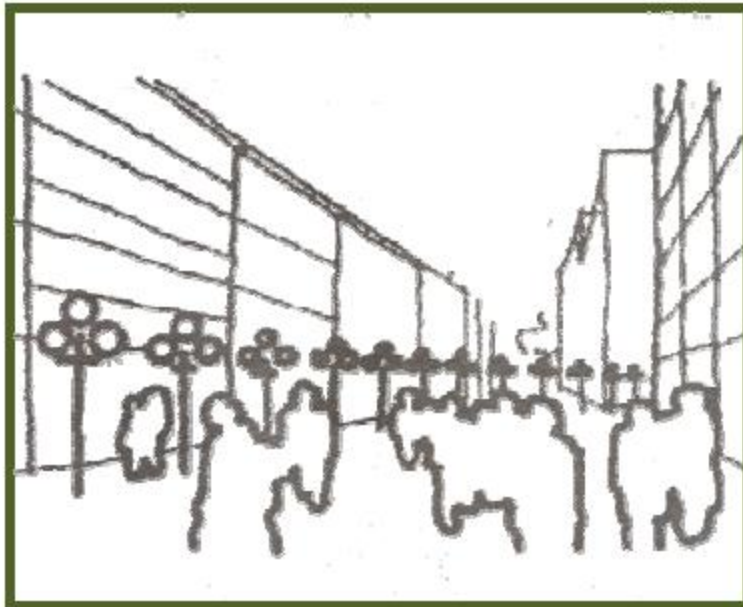
نمونه: تکرار درختان در یک ردیف و یا تیرک های چراغ خیابان ایجاد کننده توالی است.

تاثیر این کیفیت در چنین مواردی است:

1- تشویق حرکت عابرین به موازات نسبی عناصر متوالی

2- نوسان کمتر در حرکت ها و حرکت بالنسبه مستقیم

3- افزایش نسبی سرعت حرکت سواره و پیاده در راستای عناصر متوالی (؟)



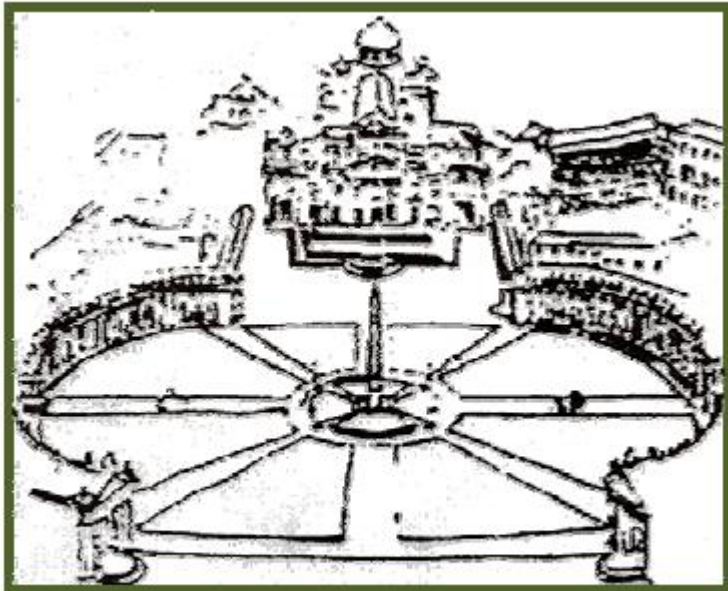
شکل 11: توالی

Concentration (تمرکز)

کیفیتی است که بر اثر جمع شدن عناصر یک مجموعه، حول یک مرکز حاصل می شود.

- عناصر مشابه همدیگر را جذب کرده و ایجاد تمرکز می کنند در حالیکه عناصر غیرمشابه دافع هم هستند.

- تمرکز سبب کاهش سرعت شده و موجبات تعاملات اجتماعی را فراهم می کند.



شکل 12: تمرکز

تباين Distinction

به معنای تفاوت و فرق و جدایی میان دو چیز است، تفاوت پدیده با پدیده های مجاور یا با زمینه، دارای محدوده ی گسترده ای است که از عدم تقلید و تکرار شروع شده تا درجات نامتناهی از تغییر و تحریف همان پدیده پیش می رود.

تباين سبب تفکیک هر پدیده از پدیده های مجاور می شود و لازمه ایجاد یک محیط شهری جالب و زنده است
تباين در دو حالت قابل بررسی است

1- تفاوت: در مورد چند پدیده که در اساس با هم موافق ولی در جزئیات با هم اختلاف دارند.

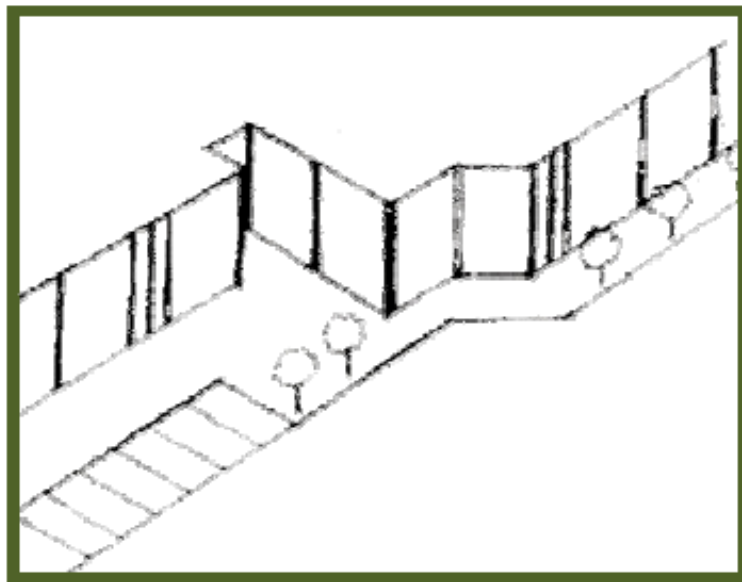
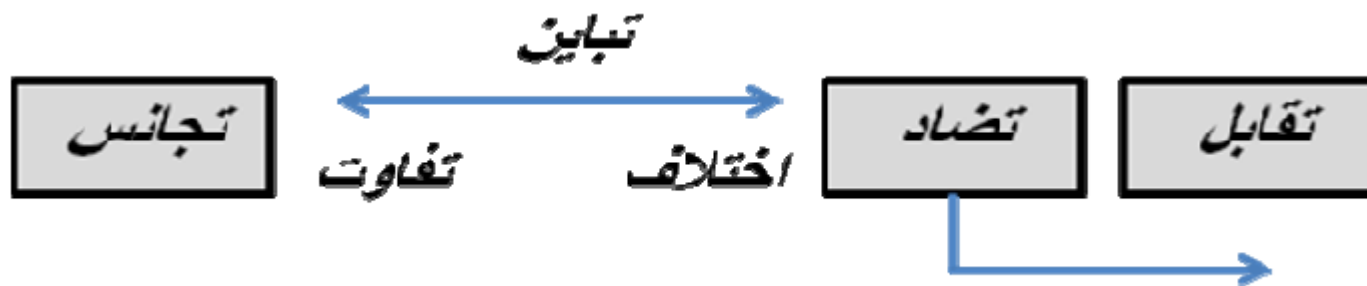
نمونه: تفاوت در اندازه، مصالح، رنگ و...

2- اختلاف: در مورد چند پدیده که در اساس با هم متمایزند.

نمونه: اختلاف بین میدان و فلکه

- در تضاد جدایی از مرز تباين گذشته و دو پدیده مستقل محسوب می شوند

Distinction اَبَاین



شکل 13: تکرار

Repetition (تکرار)

به معنای مجموعه ای بی انقطاع از واحدهای متصل به هم، حضور عناصر مشابه

- عناصری با فرم مشخص و با فاصله ای یکسان تکرار می

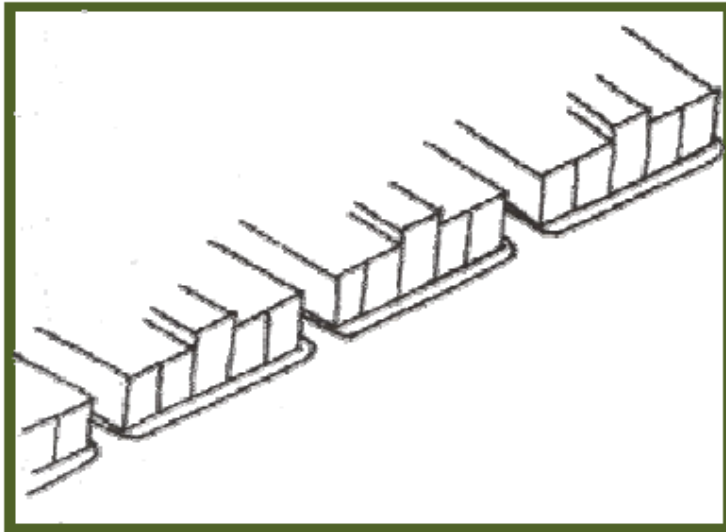
شوند

- تکرار ممکن است با قاعده یا بی قاعده باشد

- تکرار پرت اطلاعاتی را بالا می برد و در نتیجه بداعت و تازگی کم می شود.

Rhythm (ضرباهنگ)

زمانی اتفاق می افتد که عناصر شبیه به هم با فواصلی
مساوی یا مرتب تکرار شوند



شکل 14 : ضرباهنگ

نظمی فراگیر است که انتظار می رود عناصر با ارزش های
متفاوت، تحت تاثیر آن قرار گیرند.

تفاوت در ارزش های عناصر در مؤلفه های فرم، عملکرد و
معنا تجلی می یابد.

Hierarchy (سلسله مراتب)



شکل 15 : سلسله مراتب